

مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در سیاستگذاری فرهنگی

شیوا مقدم^۱، فاطمه عزیز آبادی فراهانی^۲، سیدرضا صالحی امیری^۳

چکیده

عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در سیاستگذاری فرهنگی از جنبه جامعه‌شناختی مورد مطالعه واقع شد. تاکنون خاستگاه‌های مشارکت نخبگان در قلمروهای سیاسی و اجتماعی بررسی شده است؛ اما گستره فرهنگ از این حیث دچار خلأ است. نمونه تحقیق شامل صد و پنجاه و دو متخصص حوزه نخبگی، عضوهای علمی دانشگاه، کارشناس عالی حوزه آموزش و پرورش و امور فرهنگی و نیز فارغ‌التحصیلان مراکز نخبگی می‌شدند. از «مصاحبه اکتشافی» و ابزار «فهرست مشارکت فرهنگی نخبگان» برای جمع‌آوری اطلاعات بهره‌گیری شد. روش تحلیل عاملی اکتشافی (به شیوه واریماکس) برای تحلیل داده‌های کمی به کار رفت. دستاوردهای تحلیلی عوامل در مراحل متوالی به ساختاری سه‌بخشی مرکب از: الف) مبانی، ب) راهبردها، و ج) سیاست‌ها منجر گردید. «مبانی مشارکت فرهنگی نخبگان» بر حول «پذیرش اجتماعی» سه مؤلفه را شامل شد: (۱) اندیشکده‌های فرهنگی، (۲) نخبه‌محوری فرهنگی، (۳) انزوا زدایی نخبگان. همچنین دو راهبرد در امر مشارکت حاصل گردید: الف) «ویژگی‌های نخبگان» و ب) «نظام اداری فرهنگی» دارد. راهبرد «ویژگی‌های نخبگان» چهار سیاست را در بر گرفت: (۱) تعهد ملی نخبگان، (۲) تخصص حرفه‌ای نخبگان، (۳) شایستگی‌های نخبگان فرهنگی، (۴) بهره‌گیری از نخبگان فرهنگی. راهبرد «نظام اداری فرهنگی» نیز شامل دو سیاست شد: (۱) کفایت مدیران و (۲) مشارکت عام. در استنتاج کلی برای پی‌ریزی زمینه‌های مشارکت نخبگان در سیاستگذاری فرهنگی بر رعایت نظام اداری خاص، تعهد ملی نخبگان، توجه به هویت نخبگان و پی‌ریزی قطب‌های نخبگانی تأکید می‌شود.

واژگان کلیدی: سیاستگذاری، فرهنگ، نخبگی، مشارکت، مطالعه جامعه‌شناختی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۰

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: sh.moqaddam@yahoo.com)

^۲ استادیار مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: f_farahany@yahoo.com)

^۳ دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: dr.salehiamiri@gmail.com)

مقدمه

هر کشوری برای توسعه اجتماعی اش نیازمند سیاستگذاری فرهنگی است. دولتها برای تدوین و اجرای سیاستهای فرهنگی کشور به شناخت نیازهای مردم نیاز دارند. همچنین برای به فعلیت رساندن سیاستها لازم است این نیازها به یک گفت‌وگو عمومی تبدیل گردد. با توجه به قدرت و مرجعیت نخبگان یکی از عوامل تسهیل کننده در اجرای سیاستهای فرهنگی کشور، مشارکت نخبگان است. مشارکت به معنای شرکت فعالانه افراد در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به طور کلی در تمامی ابعاد حیات است. کنش مشارکتی، از طریق سه شاخص محوری داوطلبانه بودن، آگاهانه بودن و مسؤولیت پذیری از کنش غیر مشارکتی تفکیک می شود. (قانعی راد ۱۳۸۹) مشارکت عمومی در حکومت شامل فعالیت مستقیم (یا غیرمستقیم از طریق نمایندگان) که فرد در امور مربوط به تصمیم گیری درباره سیاستها، طرحها یا برنامه های مورد علاقه، سهم داشته باشد. (کوئیک و برایسون، ۲۰۱۶)^۱

نخبگی اصطلاحاً یعنی «توانایی انجام کارهای مؤثر با استفاده از هوش و خلاقیت و پشتکار بالا، انجام کار با توانایی خاص در یک زمینه، قدرت زیاد در حل مسأله، توانایی نظریه پردازی، استعداد همراه با نبوغ، ابتکار چیزهای نو و جدید یا ابداع روشهای تازه در زمینه های مختلف، ایجاد کار جدید یا چیز نو برای بهبود زندگی با بهره گیری از اندیشه و خلاقیت بر پایه هوش و دانش و ارایه طرحی سودمند برای اولین بار که راه حل جدید، آسان و مؤثری برای مسائل دشوار باشد». (کاظمی حقیقی و همکاران، ۱۳۸۸) فرهنگ مجموعه ای کم و بیش هماهنگ و مرکب از ارزشها، نگرشها، گرایشها و الگوهای رفتاری مشترکی است که در میان یک واحد اجتماعی با برخورداری از ریشه های تاریخی، کسب می شود و فرایند جامعه پذیری و هویت خاص آن جامعه را شکل می دهد و آثاری ویژه پدید می آورد». (صالحی امیری، ۱۳۸۷؛ کاظمی حقیقی، مقدم، ۱۳۹۳؛ لیتون، ۱۹۴۵؛ کلاکهان و کلی، ۱۹۴۵؛ پارسون، ۱۹۴۹؛ کروبر و کلاکهان، ۱۹۵۲؛ یوزیم و یوزیم، ۱۹۶۳؛ هافستد، ۱۹۸۴؛ دامن، ۱۹۸۷؛ بانکز و همکاران، ۱۹۸۹؛ لدرچ، ۱۹۹۵)^۲

سیاست فرهنگی، در حقیقت توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهم ترین اصول و اولویتهای لازم الرعایه در حرکت فرهنگی است. همچنین سیاست فرهنگی را می توان اصول راهنمایی کار گزاران فرهنگی و مجموعه علائم و نشانه هایی دانست که مسیر حرکت را نشان می دهند؛ به عبارت دیگر دستور العمل فرهنگی است که روشنگر حرکت است. (فاضلی، قلیچ، ۱۳۹۲) سیاستگذاری فرهنگی عبارت است از «تعیین خط مشیها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی یعنی همکاریهای فرهنگی؛ مشارکت فرهنگی؛ میراث فرهنگی و هویت فرهنگی که یونسکو نخستین بار با ارائه مفهوم توسعه فرهنگی آن را مطرح نمود. (همایون، جعفری هفتخوانی، ۱۳۸۷)

گراف نیست چنانچه بیان شود «مشارکت نخبگان در سیاستگذاری فرهنگی»، مهمترین مشارکت فرهنگی به شمار می آید. لذا دو پرسش اساسی این است که:

۱. چه رابطه ای میان پذیرش اجتماعی با مشارکت نخبگان در سیاستگذاری فرهنگی وجود دارد؟
۲. چه عوامل اجتماعی موجب جلب مشارکت نخبگان در سیاستگذاری فرهنگی می شوند؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر به اقتضای ماهیت مسأله، «روش آمیخته» و مشتمل بر بررسیهای ژرف پدیدارشناختی کیفی و پژوهشهای تجربی دقیق بر حسب متغیرهای حاصله است. (فراستخواه، ۱۳۹۵؛ بایبر، ۱۳۹۵) در تحقیقات کیفی از طریق مصاحبه اکتشافی معمولاً در بهره گیری از سه قشر اساسی تأکید می شود: الف) کارشناسان خبره، ب) شاهدان عینی، ج) ذی نفعان. (کیوی و وان کامپنهود، ۱۳۸۸ ص ۶۲ و ۶۳) در این بررسی نیز هر سه قشر به عنوان جامعه تحقیق مورد مطالعه واقع شدند: صاحب نظران و متخصصان حوزه نخبگی، هیأت علمی دانشگاه در قلمرو فرهنگ، جامعه شناسی، روانشناسی و آموزش و پرورش و مدیران و کارشناسان فرهنگی مجرب در

1 - Quick & Bryson

2 - Linton; Kluckhohn, Kelly;; Parson; Kroeber, Kluckhohn; Useem, & Useem; Hofstede; Damen; Banks; Lederach

سطوح خرد و کلان. به اقتضای مطالعه کیفی با تأکید بر مصاحبه اکتشافی در وهله نخست از وجود سه صاحب نظر حوزه نخبگی بهره گیری شد و در وهله دوم با چهل و شش فرد نخبه و دست اندرکاران آنها مصاحبه انجام یافت و سرانجام ابزار تهیه شده در نمونه صد و سه نفری یاد شده اجرا گردید. نمونه پژوهش در تحقیقات اجتماعی کیفی معمولاً تا نیل به اشباع مورد مطالعه واقع می شود. لذا حجم نمونه بر اساس مقتضیات و ماهیت مطالعات کیفی در حد نیل به اشباع و به اقتضای پژوهش کمی یعنی روش تحلیل عاملی اکتشافی با شیوه متعامد، در حد ضرورت شاخصهای اعتبار (حدود ۱۰۳) فراهم آمد. لذا جنبه کمی تحقیق از نوع مطالعه همبستگی است. جدول زیر، ویژگیهای نمونه را به تفکیک جنسیت و سطح تحصیلات نشان می دهد:

جدول (۱): نمونه پژوهش به تفکیک جنسیت و سطح تحصیلات

جمع	مؤنث	مذکر	
۶۶	۲۶	۴۰	دکتری
۳۵	۱۹	۱۶	کارشناسی ارشد
۲	۱	۱	کارشناسی
۱۰۳	۴۶	۵۷	جمع

چنان که جدول مزبور نشان می دهد، شصت و شش دانش آموخته در مقطع تحصیلی دکتری شامل چهل مرد و بیست و شش زن، سی و پنج دانش آموخته در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد شامل شانزده مرد و نوزده زن و دو دانش آموخته در مقطع تحصیلی کارشناسی شامل یک مرد و یک زن، نمونه تحقیق را پی ریزی می کنند. رشته های تحصیلی نمونه مورد مطالعه غالباً در حوزه مهندسی، علوم پایه، روانشناسی، جامعه شناسی، الهیات و معارف اسلامی، مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، هنر، پزشکی، زبان انگلیسی، مشاوره و راهنمایی، تعلیم و تربیت است. اشتغال تخصصی نمونه تحقیق در قلمرو کارشناسی در قلمرو امور استعداد، تیزهوشی و نخبگی، مهندسی، آموزش و پرورش، امور فرهنگی، پزشکی، تدریس در دانشگاه، برنامه ریزی در رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی است. لذا در مجموع، ۱۵۲ نفر با روش کیفی و کمی مورد مطالعه قرار گرفتند.

با این توضیح، روش جمع آوری اطلاعات و داده های مورد نیاز به اقتضای نوع مطالعه آمیخته «مصاحبه اکتشافی» و نمره گذاری «فهرست مشارکت فرهنگی نخبگان» بود. برای گردآوری داده ها در روش کیفی از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. بعد از پیاده کردن هر مصاحبه، متن آن حروفچینی و آماده داده پردازی گردید. برای تأمین اعتبار داده ها علاوه بر در نظر گرفتن وضوح سؤالات، در انتهای هر مصاحبه، صحت ساختار کلی اظهارات با فرد مصاحبه شونده مرور و موافقت او با محتوای بیاناتش دریافت گردید. «فهرست مشارکت فرهنگی نخبگان» ابزار محوری جمع آوری داده های کمی بود. این ابزار بر پایه ادبیات تحقیق، مبانی نظری (نظریه های نخبگی، فرهنگی و مشارکت اجتماعی)، تحلیل محتوای مصاحبه ها و مطالعه متون مربوط به این قلمرو فراهم آمد. فهرست مزبور شامل پنجاه و سه گزاره با ضریب اعتبار ۰/۹۳۱ بر اساس «آلفای کرونباخ» بود که در مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ نمره گذاری می شد. از این رو، داده های کمی از وثاقت و اطمینان و دقت کافی برخوردار است. فهرست مزبور به صورت حضوری و از طریق شبکه بر گزار گردید که به طور متوسط دوازده تا پانزده دقیقه به طول می انجامید.

روش تحلیل عاملی اکتشافی (Factor Analysis) به شیوه متعامد (واریماکس) با استفاده از نرم افزار SPSS برای بررسی روایی سازه و تحلیل داده های کمی به کار رفت.

یافته های تحقیق

بررسی روایی سازه های حاصل از اجرای فهرست مزبور، بر پایه نتایج حاصل از اجرای تحلیل عاملی از مجموعه پرسش ها (به شیوه واریماکس) وجود یازده الگو را در سه سطح مشتمل بر بیست و پنج عامل نشان داد که در جداول ۲ تا ۴ تا ارائه شده است:

جدول (۲): مقادیر kmo و کرویت بارتلت الگوها

الگوها	شاخص KMO	مشخصه کرویت بارتلت	درجه آزادی	احتمال
الگوی یک	۰,۶۵۴	۲۱۴,۶۸۱	۶۶	۰,۰۰۰

الگوی دو	۰,۷۶۳	۱۹۳,۳۴۴	۵۵	۰,۰۰۰
الگوی سه	۰,۷۵۴	۱۳۲,۱۶۸	۲۱	۰,۰۰۰
الگوی چهار	۰,۵۱۸	۲۵,۴۱۰	۶	۰,۰۰۰
الگوی پنج	۰,۶۱۷	۵۶,۸۹۳	۶	۰,۰۰۰
الگوی شش	۰,۷۲۳	۹۷,۹۸۳	۱۰	۰,۰۰۰
الگوی هفت	۰,۶۳۹	۲۸,۴۱۹	۶	۰,۰۰۰

چنان که در جدول بالا دیده می شود الگوی ۱ با مقدار $0/763$ kmo / مشتمل بر پنج عامل **67** درصد کلّ واریانس را تبیین می کنند. الگوی ۲ با مقدار $0/754$ kmo / مشتمل بر سه عامل **54** درصد کلّ واریانس را تبیین می کنند. الگوی ۳ با مقدار $0/754$ kmo / مشتمل بر دو عامل **56** درصد کلّ واریانس را تبیین می کنند. الگوی ۴ با مقدار $0/518$ kmo / مشتمل بر دو عامل **67** درصد کلّ واریانس را تبیین می کنند. الگوی ۵ با مقدار $0/617$ kmo / مشتمل بر دو عامل **74** درصد کلّ واریانس را تبیین می کنند. الگوی ۶ با مقدار $0/723$ kmo / مشتمل بر یک عامل **42** درصد کلّ واریانس را تبیین می کند. الگوی ۷ با مقدار $0/639$ kmo / مشتمل بر یک عامل **42** درصد کلّ واریانس را تبیین می کند.

تحلیل عاملی در سطح دوم سه الگو به دست داد:

جدول (۳): مقادیر kmo و کرویت بار تلت الگوها

الگوها	شاخص KMO	مشخصه کرویت بار تلت	درجه آزادی	احتمال
الگوی یک	۰,۵۵۱	۳۵,۹۸۰	۱۵	۰,۰۰۲
الگوی دو	۰,۶۱۳	۱۱۱,۲۳۶	۲۸	۰,۰۰۰
الگوی سه	۰,۵۶۸	۵۵,۷۲۷	۱۵	۰,۰۰۰

چنان که در جدول بالا دیده می شود الگوی یک با مقدار $0/551$ kmo / مشتمل بر دو عامل **49** درصد کلّ واریانس را تبیین می کنند. الگوی ۲ با مقدار $0/613$ kmo / مشتمل بر سه عامل **61** درصد کلّ واریانس را تبیین می کنند. الگوی ۳ با مقدار $0/568$ kmo / مشتمل بر دو عامل **54** درصد کلّ واریانس را تبیین می کنند. در پایان، تحلیل عاملی یک الگوی نهایی حاصل داد:

جدول (۴): مقادیر kmo و کرویت بار تلت الگوی نهایی

شاخص KMO	مشخصه کرویت بار تلت	درجه آزادی	احتمال
۰,۵۴۱	۵۵,۷۲۷	۱۵	۰,۰۰۰

چنان که در جدول بالا دیده می شود الگوی نهایی با مقدار $0/541$ kmo / مشتمل بر **54** درصد کلّ واریانس را تبیین می کنند. سطح معناداری مشخصه های آزمون کرویت بار تلت در هر یک از الگوهای یازده گانه کمتر از $0/001$ است.

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش در پاسخ به این دو پرسش اساسی مورد بحث قرار می گیرد:

۱. چه رابطه ای میان پذیرش اجتماعی با مشارکت نخبگان در سیاستگذاری فرهنگی وجود دارد؟
۲. چه عوامل اجتماعی موجب جلب مشارکت نخبگان در سیاستگذاری فرهنگی می شوند؟

مبانی مشارکت: پذیرش اجتماعی

دستاوردهای پژوهش، نشان داد که «کانون کوششهای مربوط به جلب مشارکت نخبگان به منظور سیاستگذاری فرهنگی آن است که به طور کلی زمینه ها و بستریهای فراهم آید که مشارکت فرهنگی نخبگان از سوی جامعه پذیرفته شود. بدین معنا که:

- ۱) در ساختار اداری جامعه به نخبگان اولویت دهی شود.
- ۲) نخبگان بومی هر منطقه جغرافیایی باید در صف مقدم سیاستگذاری فرهنگی واقع شوند.
- ۳) شرایط اجتماعی با خواسته های نخبگان به مشارکت فرهنگی همخوان باشد.
- ۴) دیدگاههای نخبگان در قلمرو فرهنگ، عملی شود.

با توجه به این زمینه، سه مؤلفهٔ بزرگ به پذیرش اجتماعی برای مشارکت نخبگان در امر سیاستگذاری فرهنگی تحقق می‌بخشد:

(۱) اندیشکده‌های فرهنگی

«اندیشکده‌های فرهنگی، در واقع قطبهای مشارکت نخبگان قلمداد می‌شوند. پی‌ریزی این نهادها برای جلب مشارکت فرهنگی نخبگان وابسته به احساس تعلق فرهنگی آنهاست. لذا ارزشهای جامعه باید برای نخبگان درونی شده باشد. افزون بر آن، مشارکت فرهنگی نخبگان بستگی به نظام اداری ویژه‌ای دارد.»

(۲) نخبه محوری فرهنگی

«مراکز عالی تصمیمگیری فرهنگی باید نخبه محور باشند؛ اما باید توجه داشت که نفوذ صاحبان سرمایه و ثروت در فرهنگ، به جلب مشارکت نخبگان کمکی نمی‌کند.»

(۳) انزوا زدایی نخبگان

«هر عاملی که موجب انزوای نخبگان می‌شود، باید زدوده شود. بدین معنا که ابتدا لازم است موانع مشارکت نخبگان از بین برود. امر مشارکت فرهنگی نخبگان بدون توجه به فردیت آنها ممکن نیست. باید از ساختار عمودی حاکم بر جامعه پرهیز کرد و امیدواری برای اصلاحات را در میان نخبگان برای مشارکت آنها افزایش داد.»

لذا عمده‌ترین عوامل انزوای نخبگان را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

(۱) بی‌توجهی به فردیت (۲) حاکمیت ساختار عمودی (۳) ناامیدی برای اصلاحات.»

ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که نخبهٔ بومی در حیطه شناختی در پی مطالعات مقایسه‌ای و تکوینی فرهنگ و تمدن ایرانی و نشانه‌شناسی بیماریهای آن است و موضوعاتی از قبیل علل سیر قهقه‌رایی، رکود علم، فلسفه، فناوری، فرهنگ، فرهنگ سیاسی، مذهب، موانع سرمایه‌داری، جامعهٔ مدنی، مردمسالاری در ایران پژوهش می‌کند و کار خود را از همین واقعیت موجود ایران شروع می‌کند و به همین دلیل تئوری دگرگونی او تدریجی و اصلاحی است. در مقابل نخبه جهان‌شهر بیشتر خود را شهروند جهان می‌داند و فرآورده‌های فکری او با جهتگیری آرمانگرا در مرزهای تمدن و فرهنگ بشری با منشأ اروپایی و امریکایی است. (قانع‌ی راد، ۱۳۹۶ ص ۲۷۱ و ۲۷۲)

بر اساس پیشینه و مبانی نظری اندیشکده‌های فرهنگی را می‌توان به مثابهٔ مصادیقی در قالب پارادایم واقعیت اجتماعی تلقی کرد که به عنوان واقعیت اجتماعی در اشکال جمعی انجمنی گروهی و نهادی عینیت پیدا می‌کند و از منظر کارکردی و ساختاری با رویکردهای نظری کارکردی ساختی و تضاد مورد واکاوی نظری قرار می‌گیرد. (غفاری نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۰)

اندیشکده‌های فرهنگی به منزلهٔ قطبهای مشارکت نخبگان با دیدگاه «هانتینگتون» و «نیلسون» همراهی دارد. بر اساس این مدل، انسجام گروهی از طریق توسعه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی به مشارکت اجتماعی منجر می‌شود. از سوی دیگر دخالت در فعالیت سازمانی نیز به افزایش مشارکت می‌انجامد. بر اساس مدل مزبور دخالت در فعالیت سازمان‌ها تقریباً ۲۵ درصد واریانس مشارکت را تبیین می‌کند. (غفاری نیازی، ۱۳۸۶، ص ۵۶)

پارادایم واقعیت اجتماعی مشتمل بر برخی نظریات فرهنگی مانند نظریهٔ کارکردی ساختی، تضاد، انسجام گروهی دورکیم، نظریه مارکس و پارسونز است. (رح به: روح الامینی، ۱۳۸۸؛ پهلوان، ۱۳۸۸؛ صالحی امیری، ۱۳۸۶؛ محسنی، ۱۳۸۶؛ قانع‌ی راد، ۱۳۹۶؛ نوابخش، ۱۳۹۰؛ فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲) بدین معنا که کنشهای فردی تنها در درون متن گسترده‌ای که محاط در آن هستند فهمیده می‌شوند. احساس تعلق فرهنگی نخبگان و درونی شدن ارزشهای جامعه در میان نخبگان با دیدگاه «کولین» هماهنگی دارد. وی نقش ارزش فرهنگی، هویت و میراث فرهنگی جامعه را در تحقق و تقویت مشارکت مورد توجه قرار داده و معتقد است نهادهای مشارکتی که از بیرون بر جامعه تحمیل می‌شوند نخواهند توانست دوام و اثرگذاری لازم را داشته باشند و اگر تحمیلی باشند موجب بیگانگی و در نهایت ناآرامی‌ها خواهد شد. (غفاری نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۰ تا ۷۰) همچنین بر اساس پارادایم تعریف اجتماعی ارزشهای فرهنگی پیش نیاز اساسی برای وصول به مشارکت اجتماعی است. (غفاری نیازی، ۱۳۸۶، ص ۷۵)

افزون بر آن، بر مبنای مفهوم سرمایه فرهنگی «معنا» تعیین کننده سطح و نوع مشارکت نخبگان است. در واقع دو سرمایه اجتماعی و فرهنگی مانند تعلقات ملی و سرزمینی میل به محلی ماندن دارند زمینه ساز برای مشارکت ملی قلمداد می شوند. (قانع، راد، ۱۳۹۶ ص ۷۱ و ۷۵)

چنانچه ذکر شد، دو سرمایه اقتصادی و سیاسی میزان مشارکت بومی را می کاهد و میل به جهانی شدن را افزایش می دهد. (قانع، راد، ۱۳۹۶ ص ۷۵) در تأیید نخبه محوری فرهنگی باید بیان داشت که مهاجرت و انزوا دو وضعیت جاری جوامعی است که نمی تواند با نخبگان مراد انجام دهند. (قانع، راد، ۱۳۹۶ ص ۲۳۷)

بر پایه «نظریه تلویحی نخبگی» مشارکت نخبگان بستگی به ارزشگذاری اجتماعی به دیدگاهها و نقطه نظرات خاص آنها دارد. ارزشگذاری برای باورها و ارزشهای نخبگان باب ورود به برخورداری از تواناییهای و دانشهای برجسته آنها قلمداد می شود. (کاطمی حقیقی و همکاران، ۱۳۸۸)

مطالعات بسیاری بر وجود تفرّد و استقلالگرایی نخبگان تأکید می ورزند:

حمایت محیطی برای تحقّق فردیت (یانگ، ۲۰۱۹)^۱، استقلال و خودمختاری به مثابه یک نیاز و ویژگی عاطفی (فرانکس و دولان، ۱۹۸۲؛ فری، ۱۹۹۳؛ استروپ، ۲۰۰۲)^۲، خصیصه نگرشی (ددریک و همکاران، ۱۹۷۷)^۳ حتّی از دوران خردسالی (وایندر و همکاران، ۱۹۹۷؛ کیتانو، ۱۹۸۵؛ استیل، ۱۹۸۹)^۴ و همبستگی آن تفکر واگرا (آلبرت و رانکو، ۱۹۸۹)^۵ تبیین کننده ارتباط آن با فعالیت بیشتر و مسؤولیت پذیری اجتماعی (چایلدز، ۱۹۸۱)^۶ است. بنابراین استقلال در تفکر و اندیشیدن، یکی از ویژگیهای نخبگان محسوب شده است. (دلپ و مارتینسون، ۱۹۷۴؛ چاستین، ۱۹۸۱)^۷ نخبگان حتّی از ابتدای دوره آموزشی و تحصیلی، روشهای مستقل را در یادگیری و فعالیتها مستقّله ترجیح می دهند. (هاوس و همکاران ۱۹۷۱؛ گریگر، ۱۹۸۴)^۸ لذا در آموزش آنها باید استقلالشان از حیث خود جهت دهی مورد تأکید قرار گیرد. (استیوارت، ۱۹۸۱؛ ترفینگر، ۱۹۸۲)^۹

نقش ارزشمند استقلال در پرورش انواع نخبگی نشان داده شده است؛ برای استعداد رهبری (تایتل، ۱۹۸۴)^{۱۰} پرورش حسّاسیت هنری در خلاقیت (دافی، ۱۹۷۹)^{۱۱} نگارش خلاقانه (شالکایند و باسکین، ۱۹۷۳)^{۱۲} پرورش شغلی (مارشال، ۱۹۸۲؛ رودنشتاین و گلیکاوفهاگس، ۱۹۷۷)^{۱۳} از این رو، نادیده انگاری این ویژگی، تبعات ناخوشایند روانی، عاطفی و اجتماعی برای نخبگان بر جای می گذارد. (لرو، ۱۹۸۶؛ کاتنا، ۱۹۷۵)^{۱۴}

«کومیز» در زمینه نقش خود اتکایی و احساس توانمندی افراد در ارتقای مشارکت اجتماعی افراد با ارائه یک مدل چرخه ای به مطالعه رابطه خود اتکایی و مشارکت اجتماعی پرداخته به خود اتکایی را موجب ارتقای مشارکت اجتماعی می داند کسانی که از خود اتکایی کمتری برخوردار بودند، مشارکت کمتری هم داشتند. (غفّاری نیازی، ۱۳۸۶، ص ۵۳)

-
- 1 - Yang
 - 2 - Franks ; Dolan; Frey; Strop,
 - 3 - Dederick
 - 4 - Windecker-Nelson; Kitano; Steele
 - 5 - Albert, Runco
 - 6 - Childs
 - 7 - Delp, Martinson; Chasteen
 - 8 - House; Griggs
 - 9 - Stewart; Treffinger
 - 10 - Tittle
 - 11 - Duffy
 - 12 - Schulkind, Baskin
 - 13 - Marshall; Rodenstein, Glickauf-Hughes
 - 14 - Leroux; Khatena

مشارکت فرهنگی نخبگان بدون توجه به فردیت آنها ممکن نیست. این یافته با مدل «هانتینگتون» که منزلت اجتماعی بالا از طریق احساس توانمندی موجب افزایش مشارکت می‌شود، همخوانی دارد. (غفاری نیازی، ۱۳۸۶، ص ۵۶)

همچنین بر اساس پارادایم تعریف اجتماعی کنشگر اجتماعی به عنوان موجودی فعال و صاحب اراده و اختیار تعریف می‌شود. در این پارادایم از حیث روش‌شناسی تأکید بر فردگرایی روش‌شناختی نهاده شده و رویکردهای نظری کنش متقابل نهادی پدیدارشناسی با یافته‌ی مزبور هماهنگی دارد. فردگرایی روش‌شناختی به عنوان یک اصل تعریف می‌شود؛ روشی که کنشگران فردی را به عنوان اتمهای منطقی تحلیل در چارچوب نظامی از کنش متقابل در نظر می‌گیرد. بر اساس دیدگاه «سیلنز» از منظر روانشناختی اجتماعی افراد در بطن نیروهای اجتماعی محاط شده‌اند. علاوه بر این تفاوت‌های شخصیتی از نظر توانمندیها و استعدادها موجب می‌شوند که افراد از نظر آمادگی برای پاسخ دادن به محرک‌های اجتماعی متفاوت باشند تفاوت‌های شخصیتی در آمیختگی با نیروها و محیط‌های اجتماعی تعیین‌کننده مشارکت هستند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۷۰ تا ۸۱)

از سوی دیگر بر اساس سنخ‌شناسی «اونز» قدرت استبدادی و انحصاری مانع مشارکت نخبگان است یکی از راه‌های اساسی مشارکت اجتماعی و سیاسی نخبگان حضور آنها در فرآیند اصلاح و تغییرات اجتماعی است آنها تلاش می‌کنند از طریق عاملیت در شکل دهی به فرایندهای اجتماعی مشارکت داشته باشند ساختار اجتماعی بر میزان مشارکت روشنفکران و نخبگان علمی در فرآیند اصلاح و تغییرات اجتماعی تأثیر دارد از سوی دیگر ساختار حکومت در مشارکت یا عدم مشارکت نخبگان نقش بسزایی ایفا می‌کند. تحولات نظام تقسیم اجتماعی کار و اکتسابی شدن نقش‌ها فرایند حیات فردی اثر گذار است بدین معنا که بر اثر رشد آموزش، تحصیل آنان به حد کمال رسیده است اما از نظر اجتماعی برایشان امکان بر عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی و سیاسی تعریف شده میسر نیست نتیجه آن خواهد بود که رفتارهای انزواگرایانه بروز خواهد کرد. (قانع‌ی راد، ۱۳۹۶ ص ۲۳۳ تا ۲۳۷)

بر اساس نظریه کنش متقابل اجتماعی، فرهنگ از طریق کنش متقابل نمادین با انتقال نمادها و ارتباطات غیرکلامی پدید می‌آید در واقع انسان‌ها نمادها و معانی را می‌آموزند. همچنین بر اساس نظریه «دورکیم» همبستگی اجتماعی موجب قوام جامعه می‌شود جامعه پدیده اخلاقی است و فرهنگ به قوام و پایداری جامعه امکان می‌دهد. در نظریه مارکسیسم فرهنگ برابند ساختارهای اقتصادی است که به حفظ و نگهداری شالوده اقتصادی خاص یاری می‌دهد در نظریه کارکردگرایی، فرهنگ و هر مجموعه فرهنگی از آن حیث وجود دارد که دارای نقش و کارکرد معینی است در واقع هر نهاد اجتماعی در رابطه با سایر نهادها مفهوم و معنا و هویت می‌یابد حیات و ثبات اجتماعی به وجود فرهنگ است. علاوه بر این، نظریه ساختی‌نگری بر عاملیت خط‌دهنده فرهنگ در قبال ساخت اجتماعی تأکید می‌کند. بر اساس نظریه تضاد فرهنگی همواره در حال تضاد و درگیری مداوم است؛ جامعه ثبات ندارد و همواره در حال تغییر دائمی است؛ از جمله فرهنگ نیز دستخوش تغییر است. (رج به: روح‌الامینی، ۱۳۸۸؛ پهلوان، ۱۳۸۸؛ صالحی امیری، ۱۳۸۶؛ محسنی ۱۳۸۶؛ قانع‌ی راد ۱۳۹۶؛ نوابخش ۱۳۹۰؛ فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲)

راهبردهای اساسی مشارکت

یک) توجه به ویژگی‌های نخبگان

۱) تعهد ملی نخبگان

«بی تردید میزان مشارکت فرهنگی نخبگان بستگی به تعهد ملی آنها دارد. تعهد ملی نخبگان می‌تواند وابسته به خاستگاه‌های اجتماعی باشد؛ در واقع جامعه باید به مشارکت نخبگان احساس نیاز کند. این احساس نیاز اجتماعی بی‌تردید به پی‌ریزی تعهد ملی نخبگان یاری می‌دهد. تعهد ملی نخبگان زمینه را برای پدیدایی و شکل‌گیری مبانی نظری و مفهوم پردازیهای بومی از سوی نخبگان فراهم می‌آورد و بدین سان وجود یک نظریه بومی توسعه فرهنگی موجب جلب مشارکت نخبگان می‌شود.

تعهد ملی نخبگان معمولاً با دو پدیده دیگر در امر مشارکت فرهنگی نخبگان ملازمت دارد:

الف) مبادرت به همگرایی نخبگان

باید به همگرایی نخبگان مبادرت ورزید؛ زیرا مشارکت فرهنگی نخبگان فقط با هماهنگی آنها ممکن است. از دیگر سو، باور جامعه به توانمندیهای نخبگان، به مشارکت فرهنگی آنها می انجامد. این باور موجب افزایش رضایت اجتماعی نخبگان می شود و بدیهی است که مشارکت فرهنگی نخبگان به میزان رضایت اجتماعی آنها بستگی دارد.»

ب) تفاهم میان تصمیم گیرندگان فرهنگی و نخبگان

«میزان مشارکت بستگی به فهم مشترک میان تصمیمگیرندگان فرهنگی و نخبگان دارد و احترام به هویت نخبگان، به تقویت تفاهم مزبور کمک می کند و در نتیجه مشارکت فرهنگی آنها افزایش می یابد.»

۲) تخصص حرفه ای نخبگان

«مشارکت فرهنگی نخبگان بستگی به تخصص حرفه ای آنها دارد. بهره گیری از نخبگان مقتضی مدیریت فرهنگی خاصی است. در چنین شرایطی سیاستگذاری فرهنگی را فقط باید به نخبگان سپرد. رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی از جمله موارد خاصی هستند که اداره آنها را باید صرفاً به نخبگان فرهنگی واگذار کرد.»

۳) شایستگیهای نخبگان فرهنگی

«واقعیت آن است که نخبگان فرهنگی از شایستگیهای خاصی برخوردارند و چنانچه نظام اداری فرهنگی از ماهیتی مشارکت پذیر در سطح کلان برخوردار باشد، در واقع به شایستگیهای مزبور توجه کرده است و این امر بالتبع به جلب هر چه بیشتر مشارکت نخبگان می انجامد.»

شایستگیهای خاص نخبگان اقتضا می کند که به سه نکته مهم توجه شود:

الف) ارزشگذاری به جوامع نخبگی

جلب مشارکت نخبگان در عرصه سیاستگذاری فرهنگی مستلزم ارزشگذاری خاص به نهادها، جمعیتها و گروههای نخبگی است. بی توجهی به جوامع مزبور پیامدی جز دلسردی و انزوای نخبگان از امر سیاستگذاری فرهنگی در بر ندارد. به ویژه آن که مقوله فرهنگ، قلمروی ارزشی قلمداد می شود. لذا ارزشگذاری به جوامع نخبگی، به مشارکت افزایشی فرهنگی آنها کمک می کند. از سوی دیگر، تنگ نظریها و جمودهای ذهنی دست اندرکاران مانع مشارکت فرهنگی نخبگان است. در این میان نگرش اقتصادی به فرهنگ از دیدگاه نخبگان یک تنگ نظری بسیار نگران کننده محسوب می شود. لذا اقتصاد محوری در مقوله فرهنگ بازدارنده مشارکت نخبگان است در واقع تنگ نظری که از ذات نگرش اقتصادی بر می خیزد، با وسعت مشرب و گسترده نگرش فرهنگی معارضت دارد. ارزشگذاری به جوامع نخبگی هرگز نباید تحت الشعاع ملاحظات اقتصادی واقع شود.»

ب) پرهیز از تمرکزگرایی

«مقوله فرهنگ ماهیتاً اقتضای وسعت مشرب و گشودگی عام دارد و این امر مطالبه بزرگ نخبگان قلمداد می شود. سیاستگذاری فرهنگی بالتبع مستلزم بهره گیری عام و گسترده از همه ظرفیتهاست از این رو، تمرکز زدایی نه تنها از ذات عرصه فرهنگ می جوشد، بلکه مورد تأکید نخبگان است. این چنین است که تمرکزگرایی از مشارکت فرهنگی نخبگان بازدارنده می کند. در واقع تمرکز زدایی به درونی شدن ارزشهای اجتماعی و فرهنگی در نخبگان کمک می کند.»

ج) احساس تعلق اجتماعی نخبگان

«نخبگان برای مشارکت فرهنگی باید به جامعه خود احساس تعلق کنند. ارزشگذاری مردم به افکار، احساسات و عقاید نخبگان از سویی و گردش پذیری نخبگی (و نه رکود و جمود نخبگی) از طرف دیگر به افزایش احساس تعلق اجتماعی نخبگان و در نتیجه مشارکت فرهنگی آنها یاری می دهد. از سوی دیگر کمبود چشم اندازهای قابل دسترس، ممکن است این احساس تعلق را کاهش داده، مانع مشارکت فرهنگی نخبگان شود.»

۴) بهره‌گیری از نخبگان فرهنگی

«به منظور گسترش مشارکت فرهنگی بویژه باید از نخبگان فرهنگی بهره برد. لذا نخبگان در ارایه نقطه نظرات خویش باید با جامعه احساس یگانگی و امنیت کنند. همچنین باید احساس کنند که در قلمرو فرهنگ منشأ اثر هستند».

بررسی پیشینه توجه به ویژگیهای نخبگان

مبادرت به همگرایی نخبگان با نظریه انسجام «دورکیم» و پارادایم واقعیت اجتماعی همسویی دارد. (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۰ تا ۴۳) بر اساس یافته‌ها نارضایتی از پایگاه اجتماعی و کم ارزش تلقی کردن نخبگان موجب کاهش مشارکت است. همگرایی نخبگان با دیدگاه «ترنر» در تأکید بر وحدت، هماهنگی دارد بر اساس این دیدگاه میزان وحدت نخبگان در شدت و نوع مشارکت آنان تاثیر گذار است. همچنین باور جامعه به توانمندی نخبگان با تأکید بر پیشینه تحقیقات بر اثر منزلت اجتماعی در میزان مشارکت نخبگان هماهنگی دارد. (قانع‌ی راد، ۱۳۹۶ ص ۶۸، ۷۷ و ۳۱۲)

تفاهم میان تصمیمگیرندگان فرهنگی و نخبگان با تأکید پیشینه بر نقش تعارض ارزشها در میزان مشارکت همسویی دارد. تولید دانش سیاسی و میزان مشارکت در سیاستگذاری محصول همکاری اجتماعات معرفتی و همکاری دانشمندان و نخبگان دانش با همدیگر و ارتباط آنان با سیاستگذاران است. (قانع‌ی راد، ۱۳۹۶ صفحه ۷۷ و ۷۸) با توجه به مؤلفه «سرآمدی» در نظریه تلویحی، نخبگان، سرآمدان جامعه قلمداد می‌شوند و این سرآمدی مقتضی نیل به «جایگاه ارزشمند اجتماعی» است. هدفمندی و بلند همتی، رضایتمندی، توانایی برجسته خاص و تلاش ورزی سرسختانه و پیگیرانه، زمینه‌های نیل به جایگاهی است که به فرد نخبه ارجمندی محیطی می‌دهد. ضمن آن که نخبگان بر پایه ویژگی «خودارجدهی» و اولویت‌دهی درونی به گونه‌ای زندگی می‌کنند که نقش احترام برانگیز آنها از سوی جامعه رعایت شود. (کاظمی حقیقی و همکاران، ۱۳۸۸)

ضرورت تخصص حرفه‌ای نخبگان با مطالعات «لایبسنکی» (۲۰۱۶)، «آلموند» و «پاول»، «لیپست»، «وربا»، «سیمپسون»، «لرنر» و «اینگلهارت» هماهنگی دارد. مدل «لیپست» تأکید دارد که پدیده مشارکت در میان گروه‌های تحصیل کرده و دارای منزلت بیشتر است. «سیمپسون» در پژوهش میان ۷۴ کشور در حال توسعه استنباط کرد که سطح سواد با مشارکت همبستگی دارد؛ «وربا» و «نای» تأکید می‌کنند که شهروندان تحصیلکرده و برخوردار از پایگاه اجتماعی مشارکت بیشتری دارد؛ دسترسی به رسانه‌های گروهی بر اساس تحقیقات «لرنر» موجب افزایش مشارکت است و سرانجام بر اساس مدل «اینگلهارت» افزایش مشارکت بستگی به سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی دارد متغیرهای تحصیلات رسمی و موقعیت اجتماعی اقتصادی تعیین‌کننده میزان مشارکت اجتماعی است و بر اساس تحقیقات «آلموند» و «پاول»، میزان مشارکت بستگی به سطح تحصیلات تخصص و سواد دارد. (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۵ تا ۹۸)

بررسی مطالعات در طول یک قرن گذشته پیرامون ویژگیهای نخبگان دلالت بر آن دارد که فرد نخبه لزوماً از ظرفیتهای برجسته چندگانه برخوردار نیست؛ لذا باید با چشم انداز چند بعدی وی را مورد توجه قرار داد. (لایبسنکی، ۲۰۱۶)

بر اساس «نظریه تلویحی نخبگی» «پیشرفت تخصصی» یکی از مؤلفه‌های بنیادین نخبگی است. فرد نخبه لازم است از برجستگیهای تحصیلی در عالیترین درجات رسمی یک زمینه مشخص برخوردار باشد. (کاظمی حقیقی و همکاران، ۱۳۸۸)

در تأکید بر شایستگیهای نخبگان فرهنگی باید متذکر شد که بر پایه «نظریه تلویحی» نخبگی، پدیده‌ای صرفاً اکتسابی نیست؛ بلکه از یک ویژگی ذاتی فردی نیز بهره‌مند است. (کاظمی حقیقی و همکاران، ۱۳۸۸)

اما ارزشگذاری به جوامع نخبگی با پارادایم رفتار اجتماعی معارضت دارد. بر اساس پارادایم رفتار اجتماعی مشارکت اجتماعی به عنوان نوعی رفتار به صورت کاملاً عینی و خارجی و تحت تاثیر محرک‌های بیرونی مورد مطالعه قرار می‌گیرد رفتار در واقع کاملاً عینی و خارجی و تحت تاثیر محرک‌های بیرونی شکل می‌گیرد در این پارادایم از نظریه انتخاب منطقی کنش، نظریه مبادله و نظریه

بازی برای تبیین رفتار مشارکتی استفاده می شود. بر اساس این دستاورد، نگرش اقتصادی به مقوله فرهنگ مانع مشارکت نخبگان می شود. اما بر اساس پارادایم رفتار اجتماعی مشارکت بستگی به تحلیل هزینه دارد و نظریات گوناگون این پارادایم تأکید بر سنجش و سبک سنگین کردن ارزشیابیهای اقتصادی و فایده گرایی اقتصادی دارند از جمله نظریهٔ مبادله و مدل «دال» تأکید بر بررسی پاداش های حاصل از مشارکت می ورزند و این بررسی تعیین کننده و نوع مشارکت فرد خواهد بود. (غفّاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۷۵ تا ۹۶) سرمایه انسانی به سرمایه اجتماعی نیاز دارد و بدون آن بی ارزش می شود بر اساس نظریه سرمایه چندگانه، سرمایه انسانی به عنوان دانش جمعی یا دانش میان افراد از اهمیت برخوردار است. این دانش جمعی، مناسبات و مشارکت نخبگان را در نهادهای حرفه ای را ایجاد می کند. همچنین عضویت در اجتماع نخبگی به طور همزمان یک وجه شغلی و یک جنبه افزایش سرمایه اجتماعی دارد و لذا به طور دوسویه ضرب ماندگاری و به تبع آن مشارکت را افزایش می دهد. (قانعی راد، ۱۳۹۶ ص ۷۵ تا ۸۶)

بر پایهٔ ادبیات تحقیق تمرکز زدایی از عوامل مشارکت محسوب می شود همچنین «شفر» تمرکز زدایی را از عوامل اساسی مشارکت قلمداد کرده است (غفّاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۵۱ و ۹۸) و با توجه به تحلیل «توکویل» تمرکز سیاسی یکی از موانع اساسی یکی از مهمترین موانع ساختاری مشارکت نخبگان است نقش مشارکت محلی قابل ملاحظه است. شهرستانها و استانهای کشور اختیارات محلی ندارند؛ لذا نخبگان از کانون اولیه زندگی خود جدا می شوند. (قانعی راد، ۱۳۹۶ ص ۲۳۵)

در زمینه احساس تعلق اجتماعی نخبگان «پاره تو» کوشیده است با بهره گیری از مفاهیم سه حوزه روانشناسی، سیاست و اقتصاد، نظریه گردش نخبگان را در پیوند با پدیده های قدرت، دگرگونی و انقلاب تبیین کند. از دید «پاره تو»، خاستگاه گروه برگزیدگان، نابرابریهای زیستی و روانی در میان شهروندان است. به عبارتی دیگر، نخبگی از ویژگیهای انسانی و تواناییهای فردی یا غریزه ها ریشه می گیرد. نخبگی را نباید در نیروهای ناشناختنی و ماورای طبیعت یا در فرآورده های طبیعی پیشرفت فنی دید، بلکه آن را باید در جنبه های «زیستی- روانی» و نابرابریهای ذاتی افراد جستجو کرد. (لوپز، ۲۰۱۳) پیش از این یافت شده است که نخبگان به احساس امنیت و تعلق اجتماعی خویش در تعامل با محیط بسیار اهمیت می دهند. (هوگان، ۱۹۹۶) ۲

بر اساس دیدگاه در بهره گیری از نخبگان فرهنگی «هانتینگتون» منزلت اجتماعی و اساس توانایی و موثر بودن از نظر اجتماعی و سیاسی مشفق مشارکت هاست. همچنین «لوین» به نقش اثرگذاری در اثرگذاری فردی در مشارکت تأکید می کند. بر اساس مفهوم کانون کنترل چنانچه فرد احساس کند بر فرآیند در فرایند سیاسی اثرگذار است میزان مشارکت او افزایش می یابد. به نظر «کولین» نقش ارزش فرهنگی و میراث فرهنگی و هویت بر میزان مشارکت قابل توجه است احساس بیگانگی میزان مشارکت را می کاهش دهد. سهم شدن در قدرت یکی از عوامل افزایش مشارکت است (غفّاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۵۵ تا ۶۴ و ۸۴-۹۸)

بالا بودن میزان احساس عدم امنیت مشارکت نخبگان را کاهش می دهد. همچنین ابزاری شدن شغلها نخبگان میزان مشارکت آنان تأثیر منفی می گذارد و اغلب موجب انزوای اجتماعی و سیاسی می شود. ناهماهنگی منزلتی نخبگان و احساس بیگانگی از نظام اجتماعی از موانع اساسی مشارکت اجتماعی آنهاست. افزون بر آن بحران منزلت اجتماعی نخبگان در کنار درهم ریختگی مرزهای مقولات مختلف شایستگی و نخبگی یک بحث بسیار مهم در کیفیت مشارکت نخبگان محسوب می شود که از آن به عنوان اغتشاش در در قلمروهای نخبگی می توان یاد کرد. (قانعی راد، ۱۳۹۶ ص ۲۳۶ تا ۲۵۳ و ۳۱۴)

دو) بهسازی نظام اداری فرهنگی

۱) کفایت مدیران

«مدیران بی کفایت مانع مشارکت نخبگان می شوند. صداقت و حسن نیت مسؤولان امر به جلب مشارکت نخبگان می انجامد. این واقعیت با دو نکته دیگر همراهی دارد:

الف) امیدواری نخبگان

جلب مشارکت نخبگان بستگی به امیدواری برای تحوّل دارد. احساس پیشرفت نخبگان آنها را امیدوار می‌کند. نخبگان در جامعه خود باید احساس پیشرفت کنند».

ب) روشنی اولویتهای فرهنگی

«باید موضع تصمیمگیرندگان عالی در قبال اولویتهای فرهنگی روشن باشد. بدین منظور لازم است جامعه نسبت به فرهنگ ارزشگذاری والایی نشان دهد و این ارزشگذاری دچار رکود نشود؛ بلکه پویا باشد؛ زیرا مشارکت نخبگان در مقوله فرهنگ به پویایی ارزشگذاری اجتماعی در زمینه فرهنگ بستگی دارد. در چنین شرایطی نخبگان احساس می‌کنند فرصت برای بروز آنها فراهم است. به بیان دیگر نظام اداری فرهنگی از ظرفیت بالایی در تشخیص اولویتهای فرهنگی برخوردار است و پویایی ارزشگذاری اجتماعی در مقوله فرهنگ و احساس نخبگان در وجود فرصت برای بروز آنها دو اصل کلیدی در اولویت بخشی محسوب می‌شود».

۲) مشارکت عام

«سیاستگذاری فرهنگی لزوماً نباید به نخبگان محدود شود؛ بلکه همه اقشار به طور عام باید جذب فرایند سیاستگذاری فرهنگی شوند. سیطره نگرش امنیتی - سیاسی بر مقوله فرهنگ از مشارکت نخبگان بازدارداری می‌کند».

بررسی پیشینه بهسازی نظام اداری فرهنگی

ادبیات تحقیق دال بر آن است که امید پایین به آینده از عوامل دافعه در مشارکت نخبگان محسوب می‌شود. (قانع‌ی راد، ۱۳۹۶ ص ۶۸) احساس یگانگی اجتماعی برای پیشرفت از انتظارات اساسی نخبگان قلمداد می‌شود. (مقدم، ۱۳۸۹) و پیشرفت طلبی نخبگان با کمالگرایی آنها رابطه بسیار نزدیکی دارد. (اسپایرز نیومایستر، ۲۰۰۴، فلچر و اسپایرز نیومایستر، ۲۰۱۲)^۱ مطالعات بسیاری وجود کمالگرایی و همراهی آن را با استقلال و تفرّد در نخبگان تأیید می‌کنند؛ از جمله: کمالگرایی در میان نخبگان بیش از سایرین است. (استورنلی و همکاران، ۲۰۰۹؛ مارگوت و راین، ۲۰۱۶)^۲ گرچه جهتگیری قوی نسبت به کمالگرایی بستگی به فرهنگ دارد. (ماکسیک و ایواساکی، ۲۰۰۹)^۳ همراهی کمالگرایی و استقلال در میان نخبگان (ریم، ۱۹۹۳)^۴ پیشرفت جویی نخبگان در دوران تحصیل همراه با لذت شخصی در پیشرفت و اهداف بلند مدت (استریت، ۲۰۰۱)^۵ خوشنودی برای پیشرفت و استقلال (گرین و همکاران، ۱۹۸۸)^۶ و جهتگیری برای پیشرفت و استقلال در محیط زندگی (ریم و لائو، ۱۹۸۸)^۷ همبستگی طرزفکر ارتقایی کوششهای کمالگرایانه و بازخوردهای پیشرفت در نخبگان (مافیلد و پارکر پیترز، ۲۰۱۸)^۸، نقش پیشرفت و کمالگرایی در تصمیمگیری شغلی نخبگان (سوارد و گایسر، ۲۰۱۸)^۹.

اما کمالگرایی برای نخبگان خالی از دردسر نیست؛ از آن جایی که افراد کمالگرا برای یک مسأله، تعداد زیادی راه حل سراغ دارند، اغلب از آن که در نقطه آخر قرار داشته باشند، احساس خوشایندی نمی‌کنند. (کالاردزولگایت، ۲۰۰۴)^{۱۰} کمالگرایی ممکن است توأم با حالات اضطرابی باشد. (اورنج، ۱۹۹۷؛ شولر، ۲۰۰۰؛ کارسون و همکاران، ۲۰۱۸)^{۱۱} و ممکن است تحت تأثیر محیط واقع شود. (زیگل و شولر، ۲۰۰۰)^{۱۲} کمالگرایی در میان نخبگان بستگی به رویکرد جامعه‌محورانه و خود‌محورانه نیز دارد. در رویکرد

1 - Fletcher, Speirs Neumeister,

2 -Stornelli, D.et al., Margot.; Rinn

3 - Maksic, S.; Iwasaki, K.

4 - Rimm, S.

5 - Street, P.

6-Green, K.

7 -Rimm, S.& ; Lowe, B.

8 - Mofield; Parker Peters

9 - SewardGaesser,

10 -Callard-Szulgit, R.

11 - Orange, C.; Schuler, P.; Corson

12 - Siegle, D. & Schuler, P.

جامعه محورانه، خود ارجدهی به پیشرفت گره خورده است و یک هراس از عدم پذیرش از سوی دیگران وجود دارد. (نیوماستر اسپایرز، ۲۰۰۴)^۱

اما سطوح بالاتر کمالگرایی در نخبگان لزوماً موجب بروز رفتارهای سازش نایافته در میان آنها نمی شود. (لوسیرو و اشی، ۲۰۰۰)^۲ کمالگرایی انطباقی نخبگان همراه با بلوغ عاطفی آنهاست (پرون مک گاورن و همکاران، ۲۰۱۵)^۳ جهتگیریهای هدف اجتماعی و یادگیری به منزله پیش بینیهایی برای کمالگرایی مثبت نخبگان قلمداد می شود. (چان، ۲۰۰۹)^۴ حتی بررسیها گویای آن هستند که کمالگرایی نخبگان با بهداشت و سلامتی روانی آنها مرتبط است؛ ولی این امر بستگی به «خودکفایی» دارد. (چان، ۲۰۰۷)

این که نخبگان باید احساس کنند که فرصت برای ابراز وجود آنها فراهم است به ماهیت استقلال جویی آنها باز می گردد. استقلال و خودمختاری یکی از نیازها و خصایص نخبگان قلمداد می شود. (فرانکس و دولان، ۱۹۸۲؛ فری، ۱۹۹۳؛ استروپ، ۲۰۰۲)^۵ ادبیات تحقیق بر برجستگی تفرّد و استقلال نخبگان و همراهی آن با مسؤولیت پذیری اجتماعی تأکید می کند. (وایندکر نلسون، ۱۹۹۷؛ کیتانو، ۱۹۸۵؛ استیل، ۱۹۸۹؛ ویلارد هالت، ۱۹۹۸؛ درریک و همکاران، ۱۹۷۷؛ استیوارت، ۱۹۸۱؛ ترفینگر، ۱۹۸۲؛ فولیس و کراکاور، ۱۹۸۲؛ دافی، ۱۹۷۹؛ شالکایند و باسکین، ۱۹۷۳)^۶ استقلال در بُعد شناختی و ترجیح فعالیت‌های مستقلانه مورد اشاره مطالعات قرار گرفته است. (دلپ و مارتینسون، ۱۹۷۴؛ چاستین، ۱۹۸۱؛ هاوس و همکاران، ۱۹۷۱؛ گریگز، ۱۹۸۴)^۷ افزون بر آن، استقلال یک عامل ارزشمند در پرورش مهارتهای رهبری نخبگان محسوب می شود. (تایتل، ۱۹۸۴)^۸ همچنین به نقش استقلال و تفرّد در برنامه ریزیهای شغلی و تخصصی نخبگان نیز تأکید شده است. (مارشال، ۱۹۸۲؛ رودنشتاین و گلیکاوونهاگس، ۱۹۷۷)^۹ عدم پذیرش استقلال و تفرّد نخبگان از سوی محیط ممکن است به ناسازگاریهای اجتماعی بینجامد. (لرو، ۱۹۸۶؛ کاتنا، ۱۹۷۵)^{۱۰}

در زمینه مشارکت عامّ «ماکس وبر» نیز همچون «میشلز» پیچیدگیهای سازمان اجتماعی را دلیل لازم برای توجیه سلطه نخبگان می داند. تفکر سیاسی او بر تأثیر مستقلّ «امریکسی» در برابر «امریکسی» است. نخبه گرایی دموکراتیک که «وبر» و «شومپتر» مطرح می کنند، برگرفته از نخبه گرایی مدرن و ضعف بینش دموکراسی است. اینان معتقدند که همه ایده های مربوط به نابودی سلطه انسانی بر انسانهای دیگر خیالی است و شرایط دموکراسی، نوعی مشروعیت برای رقابت نخبگان است و بر اساس مدل «لیست» شرکت یا عدم شرکت اقلتار گوناگون و گروه مختلف اجتماعی به عواملی بستگی دارد؛ نظیر مردان گروههای تحصیل کرده، متأهلین، شهرنشینان افراد میانسال و دارای منزلت بیشترین مشارکت را دارند و نیز بر اساس نظریه وابستگی، چگونگی مشارکت پیوند نزدیکی با ساختار قدرت سیاسی دارد. مشارکت عامّه مستلزم توزیع مجدّد قدرت است. (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۵۴ تا ۶۰)

در شکل زیر ساختار مشارکت نخبگان در سیاست گذاری فرهنگی ارائه می شود:

1 Speirs-Neumeister, K.

2 -LoCicero, K. & Ashby, J.

3 - Perrone-McGovern

4 -Chan, David. W.

5 - Franks ; Dolan; Frey; Strop,

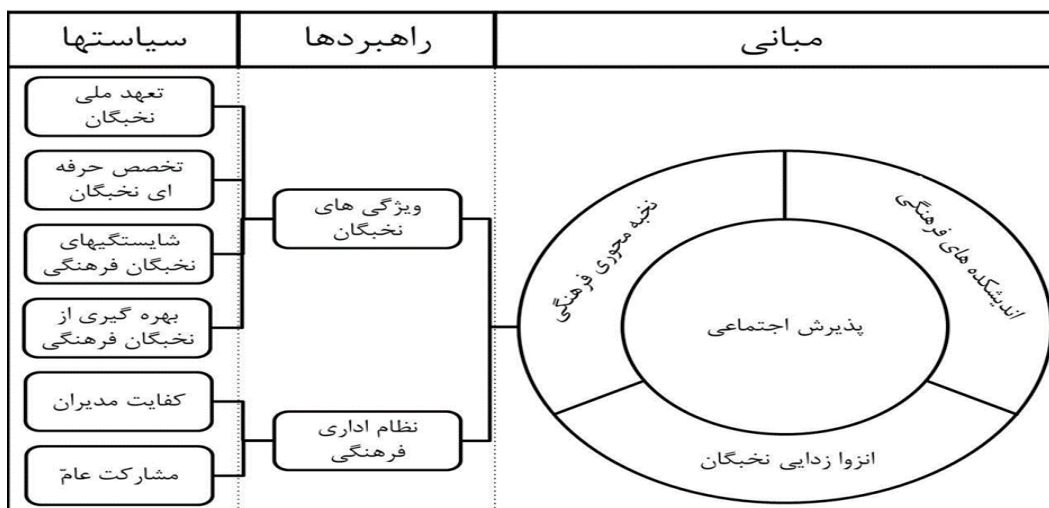
6 - Windecker-Nelson; Kitano; Steele; Willard-Holt; Dederick; Stewart; Treffinger; Follis, Krockover; Duffy; Schulkind, Baskin

7 - Delp, Martinson; Chasteen; House; Griggs

8 - Tittle

9 - Marshall; Rodenstein, Glickauf-Hughes

10 - Leroux; Khatena



شکل(۱): ساختار مشارکت نخبگان در سیاست گذاری فرهنگی

استنتاج

در استنتاج کلی پژوهش برای پی ریزی زمینه های پذیرش اجتماعی و راهبردها و سیاستهای مشارکت نخبگان در قلمرو سیاستگذاری فرهنگی این نکات قابل استنباط است:

الف) پی ریزی یک نظام اداری خاص

این نظام با باور به تخصصی بودن حوزه فرهنگ و تمرکززدایی، در نخبگان احساس امنیت پدید می آورد. و با زمینه سازی کلان برای جلب مشارکت عمومی در مقوله سیاستگذاری فرهنگی به تعیین اولویتهای فرهنگی مبادرت ورزیده، روحیه امیدواری برای تحقق اصلاحات و بهسازی فرهنگی را در نخبگان تقویت می کند. در چنین شرایطی انزوا زدایی نخبگان تحقق می یابد.

ب) تعهد ملی

احساس تعلق فرهنگی و احساس یگانگی در جامعه همراه با رضایت اجتماعی نخبگان زمینه ساز همگرایی نخبگان و تفاهم در امر تصمیمگیری است و فهم مشترک در چشم انداز روشن و دسترس پذیر زمینه را برای اندیشه ورزیهای فرهنگی فراهم می کند تا به استواری مبانی نظری فرهنگی بینجامد. چنین شرایطی در مجموع به ارتقای سطح تعهد ملی در نخبگان می انجامد و ارزشگذاری اجتماعی به مقوله فرهنگ به این ارتقا یاری می دهد؛ از آن روی که ارزشگذاری فرهنگی پویا احساس پیشرفت را در نخبگان به همراه دارد.

ج) توجه به هویت

با توجه به فردیت نخبگان و فرصت برای بروز آنها، احساس تأثیر و نفوذ محیطی در آنها فراهم می شود

د) پی ریزی قطبهای نخبگانی

ارزشگذاری به جوامع نخبگی و از جمله گسترش اندیشه های فرهنگی و بهره گیری از نخبگان بومی، یک خط مشی بزرگ در مشارکت فرهنگی نخبگان قلمداد می شود.

الف) محدودیتها

- ۱) دستاوردهای پژوهش محدود به جامعه دانشگاهیان، اعضای هیأت های علمی، و مدیران عالی فرهنگی محدود می شود.
- ۲) روش پژوهش به «مصاحبه اکتشافی»، و «فهرست نظر سنجی مشارکت فرهنگی» محدود شده است. بنابراین یافته ها همراه با محدودیتهای روشهای مزبور هستند.
- ۳) این تحقیق در واقع مطالعه ای پس رویدادی است و دستاوردها محدود به منبعی واحد یعنی آزمودنی می شوند.

ب) پیشنهادها

با توجه به محدودیتهای تحقیق و برای توسعه مطالعات آینده پیشنهاد می شود:

- ۱) موضوع پژوهش با گروههایی دیگر از نخبگان و در سایر مناطق جغرافیایی، مورد تحقیق قرار گیرد.
- ۲) موضوع پژوهش با بهره‌گیری از سایر روشهای تحقیق انجام شود.
- ۳) استفاده از روشهایی تجربی علیتی (غیر پس رویدادی) با تأکید بر راهبرد طولی ممکن است به گسترش مطالعات کمک کند.

منابع

۱. بایر، شارلن نگی هسه (۱۳۹۵) روش تحقیق آمیخته، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران، ۲۱-۳۵
 ۲. پهلوان، چنگیز (۱۳۸۸) فرهنگ و تمدن، نشر نی، تهران، ص ۱۷۱-۲۴۹
 ۳. روح الامینی، محمود (۱۳۸۸) زمینه فرهنگ شناسی، عطار، تهران، ۸۳-۹۶، ۱۸-۱۹
 ۴. صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۷) مبانی سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی، پژوهشکده استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، صفحه ۲۸
 ۵. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶) مفاهیم و نظریه های فرهنگی، ققنوس، تهران، صفحات ۸۵-۲۱۹
 ۶. غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن (۱۳۸۶)، جامعه شناسی مشارکت، نشر نزدیک
 ۷. فاضلی، نعمت الله، قلیچ، مرتضی (۱۳۹۲) نگرشی نو به سیاست فرهنگی، تپسا، تهران، ۲۹۹-۳۰۲
 ۸. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵) روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، انتشارات آگاه، تهران، ۲۴-۳۱
 ۹. قانع راد محمد امین (۱۳۸۹) مشارکت سیاسی اجتماعی نخبگان انتشارات راه دان
 ۱۰. قانع راد، محمدامین (۱۳۹۶) نخبگان دانش، مشارکت یا مهاجرت؟ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران
 ۱۱. کاظمی حقیقی، ناصرالدین (۱۳۹۴) خلافت، انتشارات تابان خرد، انتشارات تابان خرد، فصول دوم و دهم
 ۱۲. کاظمی حقیقی، ناصرالدین؛ مقدم، شیوا (۱۳۹۳) استعداد و تیزهوشی فرهنگی، فصلنامه استعدادهای درخشان، صفحات ۱۵۱-۱۷۱
 ۱۳. کاظمی حقیقی، ناصرالدین؛ فرزاد، ولی الله؛ خوش خلق، ایرج؛ یزدانی پژوه، مریم (۱۳۸۸) بررسی مبانی نظری نخبگی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (پژوهشکده تعلیم و تربیت، گروه اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی) به سفارش شورای عالی آموزش و پرورش، صفحات ۲۰۵-۲۱۱
 ۱۴. محسنی، منوچهر (۱۳۸۶) بررسی در جامعه شناسی فرهنگی ایران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران ۶۴-۹۹
 ۱۵. نوابخش، مهرداد (۱۳۹۰) کاربرد نظریه های اجتماعی در روش شناسی تحقیق، جهان کتاب، ۳۷-۷۰
 ۱۶. وان کامپنهود، لوک؛ کیوی، ریمون (۱۳۸۸) روش تحقیق در علوم اجتماعی، (ترجمه عبدالحسین نیک گهر) توتیا، تهران، ۶۰-۷۱
 ۱۷. همایون، محمد هادی؛ جعفری هفتخوانی نادر (۱۳۸۷) درآمدی بر مفهوم و روش سیاستگذاری فرهنگی، اندیشه مدیریت، سال دوم، ش ۲
1. Albert, Robert S.; Runco, Mark A.)1989 (Independence and the Creative Potential of Gifted and Exceptionally Gifted Boys, Journal of Youth and Adolescence, v18 n3 p221-3
 2. Banks, J.A., Banks, & McGee, C. A. (1989). Multicultural education, Needham Heights, MA: Allyn & Bacon
 3. Callard-Szulgit, Rosemary) 2004 (Perfectionism and Gifted Children .
 4. Chan, David W.)2007(Positive and Negative Perfectionism among Chinese Gifted Students in Hong Kong: Their Relationships to General Self-Efficacy and Subjective Well-Being, Journal for the Education of the Gifted, v31 n1 p77-102
 5. Chan, David W.)2009 (Perfectionism and Goal Orientations among Chinese Gifted Students in Hong Kong, Roeper Review, v31 n1 p9-17
 6. Chasteen, Betty (1981) What's It Really Like Teaching Gifted Students?
 7. Childs, Ronald E.(1981) A Comparison of the Adaptive Behavior of Normal and Gifted Five and Six Year Old Children.Roeper Review, v4 n2 p41-43
 8. Corson, Ansley T.; Loveless, James P.; Mochrie, Kirk D.; Whited, Matthew C.(2018) Perfectionism in Relation to Stress and Cardiovascular Disease among Gifted Individuals and the Need for Affective Interventions, Roeper Review, v40 n1 p46-55
 9. Damen, L. (1987). Culture Learning: The Fifth Dimension on the Language Classroom. Reading, MA: Addison-Wesley

10. Dederick, Warren E.; And Others (1977) Interpersonal Values of Intellectually Gifted Adolescent Females: Single-Sex or Co-Education?
11. Delp, Jeanne L.; Martinson, Ruth A. (1974) the Gifted and Talented: A Handbook for Parents. Working Draft.
12. Duffy, Rosaline (1979) Aesthetic Sensitivity and the Artistically Gifted. *Roeper Review*, v2 n1 p24-27
13. Fletcher, Kathryn L.; Speirs Neumeister, Kristie L. (2012) Research on Perfectionism and Achievement Motivation: Implications for Gifted Students, *Psychology in the Schools*, v49 n7 p668-677
14. Follis, Helen D.; Krockover, Gerald H. (1982) Selecting Activities in Science and Mathematics for Gifted Young Children. *School Science and Mathematics*, v82 n1 p57-64
15. Forsyth, Patricia A. (1987) (Study of Self-Concept, Anxiety, and Security of Children in Gifted, French Immersion, and Regular Classes, *Canadian Journal of Counselling*, v21 n2-3 p153-56.
16. Franks, Beth; Dolan, Lawrence (1982) Affective Characteristics of Gifted Children: Educational Implications. *Gifted Child Quarterly*, v26 n4 p172-78
17. Frey, Cecile P. (1993) Meeting the Affective Needs of Gifted Students. *Gifted Child Today (GCT)*, v16 n3 p52-54
18. Gibson, Kay L. (1998) (A Promising Approach for Identifying Gifted Aboriginal Students in Australia. *Gifted Education International*, v13 n1 p73-88
19. Gonzalez, Virginia; And Others (1996) Identifying Gifted Bilingual Hispanic Kindergartners with Alternative Sociocultural Dual Language Assessments
20. Gonzalez, Virginia (2006) Profiles of Cognitive Developmental Performance in Gifted Children: Effect of Bilingualism, Monolingualism, and Socioeconomic Status Factors
21. Green, Kathleen; And Others (1988) Family Systems Characteristics and Underachieving Gifted Adolescent Males. *Gifted Child Quarterly*, v32 n2 p267-72
22. Griffer, Mona R.; Perlis, Susan M. (2007) Developing Cultural Intelligence in Preservice Speech-Language Pathologists and Educators. *Communication Disorders Quarterly*, v29 n1 p28-35
23. Griggs, Shirley A. (1984) Counseling the Gifted and Talented Based on Learning Styles. *Exceptional Children*, v50 n5 p429-32
24. Harslett, Mort (1996) The Concept of Giftedness from an Aboriginal Cultural Perspective. *Gifted Education International*, v11 n2 p100-06
25. Hebert, Thomas P. (2006) Gifted University Males in a Greek Fraternity: Creating a Culture of Achievement, *Gifted Child Quarterly*, v50 n1 p26-41
26. Hofstede, G. (1984). National cultures and corporate cultures. In L.A. Samovar & R.E. Porter (Eds.), *Communication between Cultures*. Belmont, CA: Wadsworth.
27. Hogan, Marliese G. (1996) Increasing the Responsibility Levels of Fourth Grade Gifted Children by Promoting Positive Character Traits and Caring Behaviors.
28. House, Ernest R.; And Others (1971) Patterns of Cognitive and Affective Emphasis in Gifted and Average Classes.
29. Imai, Lynn; Gelfand, Michele J. (2010) The Culturally Intelligent Negotiator: The Impact of Cultural Intelligence (CQ) on Negotiation Sequences and Outcomes, *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, v112 n2 p83-98
30. Isaacs, Madelyn L.; Duffus, Lee R. (1995) Scholars Club: A Culture of Achievement among Gifted Minority Students. *School Counselor*, v42 n3 p204-10
31. Khatena, Joe (1975) Educating the Gifted Child: Challenge and Response in the U.S.A.
32. Kitano, Margie K. (1985) Ethnography of a Preschool for the Gifted: What Gifted Young Children Actually Do. *Gifted Child Quarterly*, v29 n2 p67-71
33. Kluckhohn, C., & Kelly, W.H. (1945). The concept of culture. In R. Linton (Ed.) *the Science of Man in the World Culture*, New York. pp. 78-105
34. Kroeber, A.L., & Kluckhohn, C. (1952). *Culture: A critical review of concepts and definitions*. Harvard University Peabody Museum of American Archeology and Ethnology Papers 47
35. Lee, Mi-Soon; Siegle, Dela (2008) Multilevel Analysis of Gifted Korean American Students' Characteristics and School Context Effects on Learning Style Preferences. *Gifted and Talented International*, v23 n2-v24 n1 p25-38
36. Lederach, J.P. (1995). *Preparing for peace: Conflict transformation across cultures*. Syracuse, NY: Syracuse University Press
37. Leroux, Janice A. (1986) Suicidal Behavior and Gifted Adolescents. *Roeper Review*, v9 n2 p77-79
38. Linton, R. (1945). The Cultural Background of Personality. New York. A culture is a configuration of learned behaviors and results of behavior whose component elements are shared and transmitted by the members of a particular society" p. 32

39. LoCicero, Kenneth A.; Ashby, Jeffrey S.)2000(Multidimensional Perfectionism in Middle School Age Gifted Students: A Comparison to Peers from the General Cohort. *Roeper Review*, v22 n3 p182-85
40. Lopez, Matias(2013) Eelite theory,Sociopedia,1-12
41. Lubinski, David(2016) From Terman to Today: A Century of Findings on Intellectual Precocity, *Review of Educational Research*, v86 n4 p900-944
42. Maksic, Slavica; Iwasaki, Kumiko) 2009 (Perfectionism of Academically Gifted Primary, School Students: The Case of Japan.*Gifted and Talented International*, v24 n2 p51-60
43. Margot, Kelly C.; Rinn, Anne N.(2016) Perfectionism in Gifted Adolescents: A Replication and Extension, *Journal of Advanced Academics*, v27 n3 p190-209
44. Marshall, Bonnie (1982) *Gifted& Talented. Overview: ERIC Fact Sheet No. 3.*
45. Mofield, Emily L.; Parker Peters, Megan (2018) Mindset Misconception? Comparing Mindsets, Perfectionism, and Attitudes of Achievement in Gifted, Advanced, and Typical Students, *Gifted Child Quarterly*, v62 n4 p327-349
46. Ngara, Constantine) 2009(The "Mbira" Metaphor: Inspiring Creative Thinking through Folktales, *Exceptionality Education International*, v19 n2-3 p128-135
47. Ngara, Constantine; Porath, Marion) 2007(Ndebele Culture of Zimbabwe's Views of Giftedness,*High Ability Studies*, v18 n2 p191-208
48. Olzewski-Kubilius, Paula; And Others (1994) SocialSupport Systems and the Disadvantaged Gifted: A Framework for Developing Programs and Services. *Roeper Review*, v17 n1 p20-25
49. Orange, Carolyn)1997(Gifted Students and Perfectionism, *Roeper Review*, v20 n1 p39-41
50. Parson, T. (1949) *Essays in Sociological Theory* Glencoe, IL
51. Perrone-McGovern, Kristin M.; Simon-Dack, Stephanie L.; Beduna, Kerry N.; Williams, Cady C.; Esche, Aaron M.(2015) Emotions, Cognitions, and Well-Being: The Role of Perfectionism, Emotional Overexcitability, and Emotion Regulation, *Journal for the Education of the Gifted*, v38 n4 p343-357
52. Quick, Kathryn S ; Bryson,John M. (2016) Public participation (in *Handbook in theories of Governance*, edited by Jacob Torbing and Chric Ansell,Edward Elgar Press, Chapter 12
53. Resnick, Daniel P.; Goodman, Madeline (1994) *American Culture and the Gifted.ERIC*
54. Rimm, Sylvia B.(1993) Gifted Kids Have Feelings Too , *Gifted Child Today (GCT)*, v16 n1 p20-24
55. Rimm, Sylvia; Lowe, Barbara (1988). *Family Environments of Underachieving Gifted Students. Gifted Child Quarterly*, v32 n4 p353-59
56. Robertson, Shari A. (2007) Got EQ?: Increasing Cultural and Clinical Competence through Emotional Intelligence.*Communication Disorders Quarterly*, v29 n1 p14-19
57. Rodenstein, Judith M.; Glickauf-Hughes, Cheryl (1977) *Career and Lifestyle Determinants of Gifted Women.ERIC*
58. Schuler, Patricia A.)2000(. Perfectionism and the Gifted Adolescent., *Journal of Secondary Gifted Education*, v11 n4 p183-96
59. Schulkind, Carole; Baskin, Barbara (1973) *Impaled on a Wild Entanglement of Lace: Poetics for the Young Gifted Child Elementary English*, 50, 8, 1209-14
60. Seward, Kristen; Gaesser, Amy H. (2018) Career Decision-Making with Gifted Rural Students: Considerations for School Counselors and Teachers, *Gifted Child Today*, v41 n4 p217-225
61. Siegle, Del; Schuler, Patricia A.)2000 (Perfectionism Differences in Gifted Middle School Students. *Roeper Review*, v23 n1 p39-44
62. Speirs-Neumeister, Kristie L. (2004) Understanding the Relationship between Perfectionism and Achievement Motivation in Gifted College Students.*Gifted Child Quarterly*, v48 n3 p219
63. Steele, Connie (1989) Cognitive Style and the Gifted Young Child.*Early Child Development and Care*, v51 p157-74
64. Stewart, Emily D. (1981) Learning Styles among Gifted/Talented Students: Instructional Technique Preferences.*Exceptional Children*, v48 n2 p134-38
65. Stornelli, Deborah; Flett, Gordon L.; Hewitt, Paul L.) 2009(Perfectionism, Achievement, and Affect in Children: A Comparison of Students from Gifted, Arts, and Regular Programs, *Canadian Journal of School Psychology*, v24 n4 p267-283
66. Street, Peter) 2001(The Role of Motivation to the Academic Achievement of Gifted Secondary Students.*Gifted Education International*, v15 n2 p164-77
67. Strop, Jean)2002(Meeting the Social Emotional Needs of Gifted Adolescents: A Personal and Contextual Journey, *Understanding Our Gifted*, v14 n3 p7-11
68. Tittle, Bess M. (1984) Why Montessori for the Gifted? *G/C/T*, n33 p3-7
69. Tirri, Kirsi A.; Tallent-Runnels, Mary K.; Adams, Aida M.; Yuen, Mantak; Lau, Patrick S. Y.(2002) *Cross-Cultural Predictors of Teachers' Attitudes toward Gifted Education: Finland, Hong Kong, and USA*

70. Treffinger, Donald J. (1982) Gifted Students, Regular Classrooms: Sixty Ingredients for a Better Blend. *Elementary School Journal*, v82 n3 p267-73
71. Useem, J., & Useem, R. (1963). *Human Organizations*, 22(۳)
72. VanTassel-Baska, Joyce and Others Joyce; (1994) A Study of Self-Concept and Social Support in Advantaged and Disadvantaged Seventh and Eighth Grade Gifted Students. *Roeper Review*, v16 n3 p186-91
73. Ward, Colleen; Fischer, Ronald; Lam, Fara Sheyna Zaid; Hall, Leonie (2009) The Convergent, Discriminant, and Incremental Validity of Scores on a Self-Report Measure of Cultural Intelligence, Educational and Psychological Measurement, v69 n1 p85-105
74. Willard-Holt, Colleen) 1998(Academic and Personality Characteristics of Gifted Students with Cerebral Palsy: A Multiple Case Study, *Exceptional Children*, v65 n1 p37-50
75. Windecker-Nelson, Elizabeth; Melson, Gail F.; Moon, Sidney M. (1997) Intellectually Gifted Preschoolers' Perceived Competence: Relations to Maternal Attitudes, Concerns, and Support. *Gifted Child Quarterly*, v41 n4 p133-44
76. Yang, Fan (2019) Taoist Wisdom on Individualized Teaching and Learning--Reinterpretation through the Perspective of "Tao Te Ching, *Educational Philosophy and Theory*, v51 n1 p117-127